

جولایی یا جولاهگی در کر دستان

بررسی لغات و کلمات اصیل هر زبان و اظهار نظر دربارهٔ چگونگی پیدایش و تحول آنها کاری ساده نیست. نویسنده یا داور باید با دید وسیعتری در این مورد به عمق مطلب بپردازد و مطالعهٔ بسیار دقیقی را جمع به موضوع مورد بررسی و کاوش داشته باشد زیرا شناسایی زبان و ادبیات مانند کاوش در سایر رشته‌ها خود مستلزم داشتن فرصت کافی و تتبع زیاد است و من هنوز دریکی از جزئی‌ترین شاخه‌های دانش‌عوام دارم قدمهای اولیه را بکمک دوستان گرامی و علاقمندان گرانقدر برمی‌دارم. نگارنده لغات و اصطلاحات «جولاهگی» را در مدتی کوتاه درمهاباد و سنجندج تا آنجائیکه توانسته با دقت کافی بررسی کرده و توضیح داده است. انتظار دارد صاحب‌نظران در این باره با راهنمایی‌های بی‌دریغ خود مرا راهنما منت فرمایند تا بهتر بتوانم با آگاهی بیشتر کار مورد علاقه‌ام را ادامه دهم.

پوشیده‌نماند درگردآوری لغات مورد بحث راه استادم آقای قادر فتاحی قاضی را پیموده‌ام. یادآوری می‌نماید که آقای فتاحی قاضی تاکنون با همکاری مؤسسهٔ تاریخ و فرهنگ ایران وابسته به دانشکدهٔ

ادبیات و علوم انسانی تبریز چند کتاب و منظومه کردی بنامهای «مهر و وفا»، «شیخ صنعان»، «بهرام و گلندام»، «شور محمود و مرزینگان»، «شیخ فرخ و خاتون استی» و چند مقاله بنامهای «ابزارهای آسیای آبی در کردی»^۱ و «تان و هه ویر»^۲ انتشار داده و از راهنمائیهای بیدریغشان استفاده شایانی برده‌ام.

جولاهگی یکی از صنایع مهم غرب کشور بویژه مناطق کردنشین می‌باشد که در برابر حمله برق آسای ماشینیزم اصالت خود را حفظ کرده است.

جولاهگی دارای لغات مخصوص و اصطلاحات فراوان است که همه آنها در فرهنگهای مشهور کردی نظیر فرهنگ مهاباد و فرهنگ مردوخ و فرهنگ خال نیامده است.

محصولات جولایی «بدرمال barmâl h» و «جاجم jâjem» و «پوپه شمین Pupašmin» و «بووزوو büzü» است^۳ که هر یک در موردی خاص از آن استفاده می‌شود و محسناتی دارد و مصنوعات ماشینی را یارای رقابت با آن وسایل نیست.

۱ - نشریه‌های بهار و تابستان ۵۱ شماره‌های مسلسل ۱۰۱ و ۱۰۲ دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز.

۲ - نشریه شماره ۱۰۸ زمستان ۵۲ همان دانشکده.

۳ - رک: کتاب بررسی اوضاع طبیعی اقتصادی و انسانی کردستان نگارش آقای حبیب‌الله تابانی ص ۱۱۲ و ۱۱۳ چاپ اول دیماه ۱۳۴۵ چاپ رضائی.

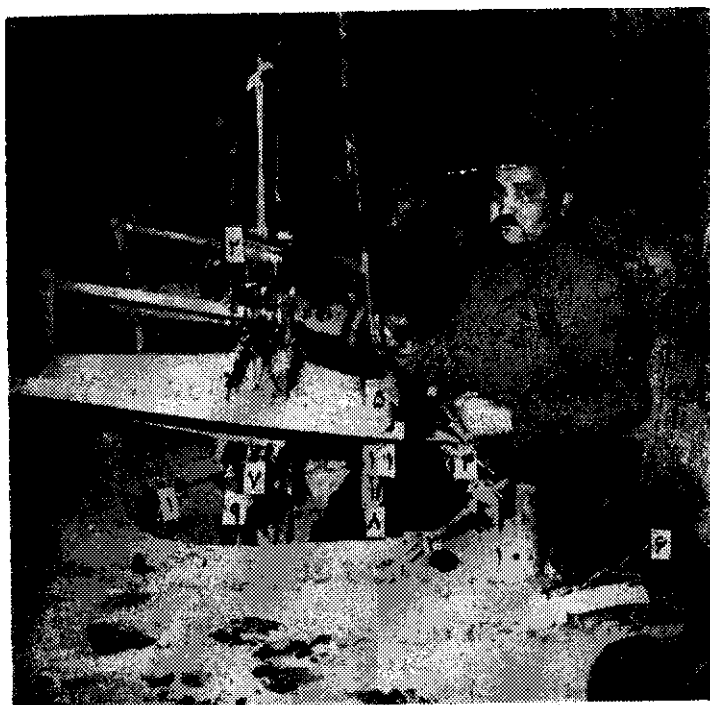
تا قبل از سال ۱۳۲۴ ه. ش جولایی به همین شکل و وضعیکه هم اکنون هست نبود و در محیطی غیر از این و با وضعی دیگر انجام می گرفت. بدین طریق که جولای چاله ای می کند و در کنار آن می نشست در حالیکه پاهایش در داخل چاله آویزان بود. قسمتی از دستگاہ در داخل چاله قرار داشت و اغلب در موقع کار کردن گرد و خاک از چاله بلند میشد و باعث بیماری جولاهای بود^۱. ولی در آن سال آقای حسن زاده در طی سفریکه برای زیارت مرقد حضرت غوث الاعظم^۲ به عراق کردند کارگاه جولایی کرد های عراق را دیدند و از آن نقش ذهنی برداشتند و در برگشتن به مهاباد با سفارش و سلیقه خودش اولین دستگاہ تقریباً مشابه را ساختند. این دستگاہ هنوز باقی است.

دستگاہ جولاهگی یا جولایی

بطور مقدماتی و ساده (از نظر صنعت امروزی) ازچند تکه چوب و تخته و میخ و چرم ساخته شده که درعین سادگی جولاه با آن وسایل مختلف و جالبی میبافد که درنوع خود بی نظیر است . این دستگاہ تکامل یافته دستگاہهای قدیم جولاهگی است .

۱ - هم اکنون در سنندج بارویه قدیمی یعنی در داخل چاله جولایی میشود ولی از آنجا که به تأثیر گرد و خاک پی برده اند چاله را سیمانکاری نموده اند ولی باوجود این جولایی در آنجا رواج زیاد دارد .

۲ - عبدالقادر گیلانی رهبر فرقه قادریه بوده و احترام خاصی داشته و دارد مرقد او در بغداد است برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به : نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز ، پائیز ۱۳۵۲ مقاله « مختصری در شرح حال و آثار شیخ عبدالقادر گیلانی » بقلم آقای دکتر رشید عبوسی ، ص ۳۶۱ .



- | | |
|------------------|---------------------|
| pecâlh | ۱- پی چال |
| colaka | ۲- چوله که |
| dâri jâw pecêki | ۳- داری جاو پیچکی |
| jaw pecêk | ۴- جاو پیچک |
| dafa | ۵- دهفه |
| guris | ۶- گوريس |
| gurd | ۷- گورد |
| žer dafa | ۸- ژیر دهفه |
| qâysi petâtay | ۹- قایشی پی تاتهی |
| singi jâw pecêki | ۱۰- سینگی جاو پیچکی |
| gwe dafa | ۱۱- گوی دهفه |

جولاه موقع کارکردن درزوی سکوی مخصوص که بر روی قاعده دستگاه است می‌نشینند و شیئی مورد نظر را می‌بافند و موقع بافتن صدای مخصوصی که از تکان دادن و حرکت در آوردن « ده‌فه و بی‌ناته^۱ » که در کردی به همان صدا « ته‌فه‌ته‌ق و شه‌فه‌شه‌ق^۲ » و یا « شه‌پیمینه šapita » می‌گویند شنیده میشود.

عمده چیزهاییکه جولاه‌ها می‌بافند پشمی است فقط از دو سال پیش جولای مذکور از کاموا نیز جاجیم بافته‌است که بسیار مرغوب است.

انواع بافتنی‌ها و شکل آنها

۱- « به‌رمال barmâli » در دو یا یک قطعه بافته میشود به رمالی که در یک قطعه است به آن یک تخته می‌گویند و مرغوب بودن آن به تار و پودهای آن و تعداد « که شکول^۳ » هایی است که دارد. معمولاً به صورت یک که شکولی و دوسه که شکولی است این نوع « به‌رمال^۴ » در بوکان و اطراف آن شهر بافته میشود طول و عرض آن بطور متوسط ۱/۲۰ و ۱/۵۰ متر و حتی ۲ متر میباشد. نوع دیگر از دو قطعه بافته می‌شود قطعات پس از بافتن اول بوسیله جولاه با « شوژن^۵ » و نخ موقتاً بهم دوخته می‌شود و بعد زنها آنرا بادوخت مخصوصی که مام‌شه به‌قه^۶ نام دارد بهم میدوزند.

به‌رمال معمولاً دو رنگ است یا سفید و سیاه یا سفید و سرخ

۱- dafa, v, petâta

۲- taqataq, u, šaqa šaq

۳- šüzən (سوزن بزرگ، جوالدوز)

۴- mām šabaqa

و یا بطرز ساده یعنی ساکار^۱ از يك رنگ سفید یا سرخ و یاسیاه خالص که به آن ساکار میگویند بافته میشود .

از ۷۵۰ گرم و یا يك كيلو «مهروز» بهر مال «یهك كه شكول» و «دو كه شكول» و «سه كه شكول» درست میشود .

۲- بووزوو büzüü يك نوع بافتنی مرغوب است که عرض آن بطور معمولی یا ۱۲ یا ۱۵ سانتی متر است و معمولاً در يك رنگ سفید یا سیاه یا و بندرت در دو رنگ نیز میبافند. تار و پود آن معمولاً يك هه ودا^۲ havdâ است که سفت تاب داده شده است. از بووزو و لباس کردی جالب دوخته میشود . اخیراً از آن كت نیز میدوزند و بسیار شکیل است .

۳- جاجم jâjem یا چارشو نوین cârşewaven مانند بهر مال بافته می شود منتهی نخ جاجم را رنگ می زنند جاجم معمولی سه رنگ است : سبز و زرد و سرخ ، جاجم چهار قطعه است که از طول بهم دوخته می شود . آنهم مثل بهر مال محراب دار و ساکار است .

عرض هر قطعه جاجم ۵۰ سانتی متر و طول آن ۲/۲۵ تا ۲/۵۰ متر است .

۴- پوپه شمیین popaşmin نوعی شمد است که بوسیله جولاه در دو یا سه قطعه به عرض ۷۵ سانتی متر و طول ۲ متر بافته و بهم دوخته میشود نخ آن مانند نخ بووزو باریك و يك رشته است رنگ

۱- ساکار Sâkâr در کردی بمعنی ساده است لفظ سندج سل سه .

۲- رشته

معمولی آن سفید و حاشیه های کناری آن قرمز یا سیاه رنگ است .
 مقدار نخ لازم برای آن ۷۵۰ گرم تا یک کیلو است .
 شمد یا روی انداز در تابستان از آن استفاده می شود و برای رفع
 مزاحمت از مگس و پشه سپر جالبی است .
 مراحل و طرز آماده کردن نخ برای بافتن در دستگاه جولا هکی
 به ترتیب ذیل است :

۱- چیدن پشم از گوسفند یا بز .

۲- شستن پشم .

۳- شانه کردن بادستگاه مخصوصی که از تخته چوبی محکم بنام
 « داره بن »^۱ یا گرد و یا بادام ساخته میشود و بامیله های نوک تیز آهنی
 که بطور عمودی به آن کوبیده شده (البته با فواصل معین)

۴- جدا کردن پشم شانه شده از هم دیگر و تقسیم آن به « سه روک^۲ »

sarok و بنوک^۳ benok

۵- رسیدن مقدهاتی پشم شانه شده بقطر تقریبی یک سانتی متر

که به آن « خاوک »^۴ میگویند و گلوله شده آنرا « هورپه خوری

۱- اسم محلی يك نوع درخت جنگلی بسیار محکم و مقاوم است که از

آن تخته نرد و رنده نیز میسازند .

۲- بمعنی رئیس ، اعیان ، امیر ، آمر نیز آمده است فرهنگ مردوخ

ص ۳۵۹ ستون ۲ .

۳- قسمت نامرغوب پشم یا مه زه که فقط بدرد بافتن جوراب و زهنگال

و گوریس و چادر میخورد .

۴- xâwək پشمیکه هنوز بصورت خام بافته شده است .

horpaxuri « مینامند .

۶ - رسیدن **خاوک** به رشته های باریک بوسیله «ته شی» به قطر تقریبی نیم میلی متر و بعد گلوله کردن آن . (توضیح اینکه بووزوو و پویه شمیین را از این نوع نخ می یافتند) .

۷ - تاب دادن دو رشته باریک به همدیگر به کمک ته شی و گلوله کردن آن .

(توضیح اینکه از این نوع جاجم و بهر مال بافته میشود) .

۸ - پیچاندن نخ بدور دو پا به صورت راست و چپ جهت دادن به رنگرزی که به ماده این نوع پیچاندن « ماشه » میگویند .

۹ - رنگ کردن ماشه که در جاجم فقط استعمال دارد .

۱۰ - شستن نخ رنگ شده .

۱۱ - تنیدن نخ بصورت مخصوص بدور میخ های کوبیده شده به زمین و یا دیوار و یا دستگاه (میخ های بووزو را به زمین میکوبند ولی بهر مال و پویه شمیین و جاجم را به دیوار و یا دستگاه میکوبند) که این عمل را « رایهل کردن » *râyêlkerdên* گویند .

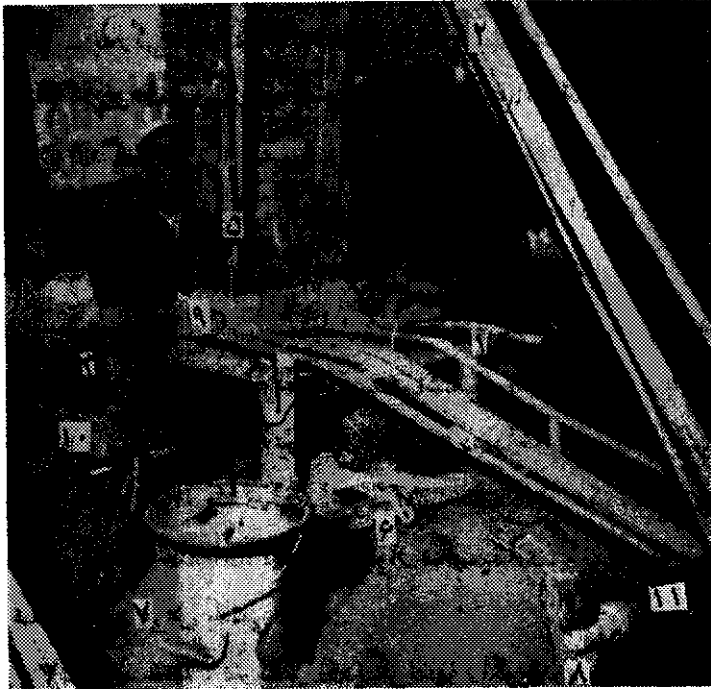
۱۲ - جمع کردن نخهای رنگی با همدیگر و بصورت گلوله درآوردن آن که به این نوع جمع کردن « تریندوو » *trindü* میگویند .

۱۳ - گذراندن تریندوو از « شه » و « گورد » ها و بستن

یکسر آن به «داری بهرگری» و قرار دادن سر دیگر نخها به «روداری جاو پیچکی».

تلفظ واژه‌ها و اصطلاحات در شهرهای مختلف فرق می‌کند بنا براین اینجانب ناچار شد که از دو شهر مهم کرد نشین جمع‌آوری واژه بشمایم و دراین راه مهاباد و سنندج را انتخاب و واژه‌های هر دو شهر را جمع‌آوری نمودم چون قبلاً واژه‌ها و اصطلاحات جولاهگی مهاباد را گردآوری و تنظیم نموده بودم و پس از آن براهنمائی استاد دانشمند آقای دکتر منوچهر مرتضوی به شهر دیگری نیز که سنندج باشد (از نظر اینکه مرکز استان کردستان و مناطق کرد نشین است) عزیمت و به گردآوری واژه‌های مربوطه پرداختم و بمنظور اینکه واژه‌ها باهم آمیختگی پیدا نکند واژه‌های مهاباد را باحرف «م» و سنندج را با «س» مشخص نمودم درجائیکه واژه‌ها چندان فرقی باهم ندارند و دارای وجه اشتراک می‌باشند از تکرار واژه خودداری نمودم.

نظر به اینکه جولایی را در سنندج از نظر واژه و اصطلاحات غنی‌تر از دیگر جاها دیدم بنظر رسید که دراین منطقه بیشتر از سایر شهرستانهای کرد نشین به جولاهگی اهمیت می‌دهند و تعداد کارگاههای آن به نسبت دراین قسمت بیشتر از کارگاههای مهاباد است و واژه و اصطلاحات آن از بعضی جهات با واژه‌های جولاهگی مهاباد فرق دارد بهمین مناسبت سنندج را برگزیدم.



- ۱- پرده له (م) و (س) *perdalha*
- ۲- تار (م) و (س) *târ*
- ۳- جاویچک (م) *jâw pecək* ، دارگلی نک (س) *dârglenək*
- ۴- جولا (م) و (س) *jolhâ*
- ۵- چوله که (م) *colaka* ، مه لوچکه (س) *malucka*
- ۶- زیر له نگه ده (م) *žer langara* ، زیر لایه ر *žer lâyar*
- ۷- شانه (م) *šâna* ، دیانه (س) *dyâna*
- ۸- کوله که (م) و (س) *kolhaka*
- ۹- گورد (م) و (س) *gurd*
- ۱۰- لاله نگه ده (م) *lâl langara* ، لایه ر *lâyar*
- ۱۱- موله قه (م) *molaqa* ، دارگلی نک *dârglenək*

ابزار و وسایل جولایی

۱ - بهرگریوه bargrewa : از دو قسمت تشکیل یافته یکی «داری بهرگریوه‌ی» و دیگری «تیلی بهره و گری» یا «بهرگریوه» گاهی بجای آن از «گوریس»^۱ که یکسر آن دو هاچه (= دوشاخه) میشود استفاده میکنند. کار بهرگریوه نگهداشتن یکسر بافته است.

۲ - بهرهیچک (م) barhecek ، مه‌تیت (س) matit : وسیله ایست از چوب بشکل مکعب مستطیل که به قاعدهٔ تحتانی آن (از عرض) دو میخ کوبیده شده است و از سه قسمت تشکیل یافته : «نیره nera» مییه meya ، پرد pard . «نیره» و «مییه» در داخل همدیگر قرار میگیرند و با سوراخهایی که در قاعدهٔ هر دو تعبیه شده دراز و کوتاه میشود. «پرد» هم بشکل حلقه‌ای آندو را استوار نگه میدارد. این وسیله برای سفت نگهداشتن عرض بافتنی است.

۳ - بهن ban : نخ پشمی و دیگر نخها را گویند ، بند وریسمان.

۴ - بهن‌گورد bangurd : نخهای محکمی است که آنرا از پشم بافته‌اند و بشکل حلقه‌های بیضی شکل به «دارگورد» گره زده شده است.

۵ - پی‌تاته (م) petâta ، پاته‌ته (س) pâtata ، پائه‌و شار^۲

۱ - ریسمان محکم و کلفت. ظاهراً در اصل گاریس (= گاوریس) بوده است.

۲ - ص ۱۷ ستون ۱ جلد دوم فرهنگ کردی بفارسی م. اورنگ پائه‌و شار ، پا افشار تختهٔ زیر پای جولاهی (مردوخ) پا افشار دو تختهٔ کوچک باشد باندازهٔ دو پای افزار سادهٔ سرپائی که بافندگان و جولاهگان چون یک پای بر آن فشارند ، نیمی از رشته‌هایی که میافسند ، پائین رود و چون پای دیگر بیفشارند ، نیم دیگر (برهان قاطع)

pâawšâr : تخت‌هایست با ابعاد ۲۵ X ۱۰ سانتی‌متر که در ساختن آن از چند جنس دیگر استفاده شده است. جولاه در موقع کار کردن پایش را بر روی آن میگذارد. «پی‌تاته» از چهار قسمت ساخته و تشکیل یافته است.
 الف: داری پی‌تاته‌ی (م) dâri Petâtay، چوپا تاته‌ته‌ی (س) cew Pâtatay : از تخت‌ها درست شده و پا روی آن قرار می‌گیرد.

ب: چه رمی پی‌تاته‌ی carmi petâtay از چرم ساخته شده که یکسر آن به «داری پی‌تاته‌ی» و سر دیگرش به «مشاره بن‌گورد» ها وصل است.

ج: چه‌رم یا جیری بن پی‌تاته‌ی carem yâ jiri ben petâtay که از چرم یا لاستیک ساخته شده و بمنزله لولا است یکسر آن به «پی‌تاته» و سر دیگرش به «داری بن پی‌تاته‌ی» وصل است و کارش متحرک نگهداشتن پی‌تاته است.

برای بافتن بوزو، پوپه شمیین و جاجم گهرمینی از دو پی‌تاته و برای به‌رمال و جاجم محلی از چهار عدد استفاده میکنند.
 ۶- پو po همان بود است.

۷- پرد' pærd از چرم ساخته شده و دو سر آن را بهم دوخته‌اند کارش محکم نگهداشتن نیره و میبیه‌ی به‌ره‌چک است.

۸- پرده‌له pærdalha چوبی است بشکل مکعب مستطیل که از یک سو شیار باریکی دارد، دو عرض آن را بطور عمودی بدستگاه کوبیده‌اند و قاعده آن بصورت افقی به عرض چوب دیگر که در طول قاعده دستگاه

است میخ کوب شده و برای ثابت و استوار نگهداشتن « بهن کر » بکار می رود .

۹- پی چال ، (م) *pecâlh* ، پاچال^۱ (س) *pâcâlh* : بشکل حوضچه‌ای ساخته شده و پاتاه در آن جای دارد جولاهان که دستگامشان به شیوه قدیم است هنگام کار کردن پایشان را بداخل آن آویزان میکنند تاروی « پی تاه » بگذارند .

۱۰- پیلوزه (س) (*piloza*) : یعنی گره زدن رشته هائیکه در حین کار کردن پاره میشود .

۱۱- تیلی بهره‌وگری^۲ *teli barawgre* : سیمی است آهنی که آنرا بصورت قوسی درآورده‌اند و دو سر آنرا به دو سر « داری بهره‌وگری » حلقه کرده‌اند تا رشته‌ها از آن خارج نشود .

۱۲- ته‌شی *taši* بفارسی دوك گویند و از سه قسمت تشکیل یافته :
الف - ده نکه ته‌شی *danka taši* : میخی است که بصورت قلاب درآمده است و به سر ته‌شی کویده‌اند .

ب - سه‌ره‌ته‌شی *sara taši* که بقسمت فوقانی ته‌شی میگویند و از چوب ساخته شده و بشکل مخروط ناقص است .

- ۱- پاچال ، پاچاهه ، چاله جای پای جولاه ، قصاب ، آهنگر و امثال آن فرهنگ مردوخ جلد اول ص ۲۴۳ .
- ۲- در مستندج بجای تیلی بهره‌وگری از گوریس *guris* : (ریسمان) که یکسر آنرا شکافته و همان حالتی که در تیلی بهره‌وگری هست باو داده‌اند .

ج - کلکه تهشی *kolka taši* بقسمت پائین « تهشی » گویند که از چوب باریک درست شده است .

تهشی برای تاب دادن رشته های پشمی که بمصرف جولایی میرسد بکار میرود^۱ .

۱۳ - تهپان (م) *tapân* ، بالایه *bâlhâyar* : چوبیست استوانه شکل که در بسالا سر جولا بطور افقی آویزان است و برای نگهداری ریسمانی که به یک سر « تیلی بهره وگری » و به گوجان یا « بهرهچک » خاتمه یافته و از روی آن گذشته بکار میرود .

۱۴ - ترندوو (م) *terndü* به « بهن » های رنگی که باهم گلوله شده اند میگویند .

۱۵ - تیکیش (م) : *tekeš* در اصطلاح به « بهن » های بافتنی میگویند که از « شه وگورد » گذشته است .

۱۶ - جاویپچک (م) *jâw pecək*، دار گلینک (س) *dârglenek* : چوبیست بشکل منشور بطول تقریبی یکمتر که قاعده های آن مربع شکل بوده و خراطی شده تا روی « سینگی جاویپچکی » بند شود . معمولاً بافته ها و بافتنی ها را بدور آن می پیچند .

۱۷ - جولا (*jolhâ*) همان جولاه فارسی است^۲ .

۱ - شاعر مشهور کرد وفائی مهابادی (۱۹۱۴ - ۱۸۴۴ میلادی) قصیده بسیار جالب و نغز و لطیفی بنام « شیرین تهشی ده رسی » سروده است که آقایان محمد مامله و مظهر خالقی آنرا با آوازی دلنشین خوانده اند .

۲ - استاد سید یونسی می گفتند که : کلمه جولاه در زبان محاوره امروزی آذربایجان به « جلفا » به ضم اول و سکون دوم تبدیل شده است و مثلی است معروف گویند : « ایشون چو خودور ور جلفابه » (کارت زیاد است بده به جولاه) .

۱۸- جولایی jolhâyi : جولاهگی .

۱۹- چه‌قو caqo : چاقو .

۲۰- چوله‌که^۱ colaka ، گول‌گوله gulghulha (م) ، مه‌لوچکه (س) malucka : چوبیست مخروطی شکل که قاعده آن بدو قسمت شده و دو تا « ولاله » در آن جای دارد . سر « چوله‌که » به بالای دستگاه بوسیله نخ‌آویزان شده آن نخ را « به‌ن دال bandâlh » گویند .
۲۱- چل‌میرده^۲ cæl merda : از استخوان قلم پای حیوان است و « کر » و ریسمان را به « گوچان » و میخ وصل می‌کند .

۲۲- چیلکه (م) cilka ، چیو (س) cew : چوب نازکی را گویند که بصورت میخ تراشیده شده و « له‌نکه‌ره » را به « لاله‌نکه‌ره » یا « ولاله » را به « چوله‌که » وصل می‌کند .

۲۳- چارشینوین câršew nven : جاجیم .

۲۴- خه‌ره‌ک (م) Xapak : دستگایست که یا خود جولا آنرا می‌سازد و یا بوسیله خراط ساخته می‌شود . این دستگاه يك‌کله الك و دو پایه در زیر کله الك و دو پایه نیز زیر « دوخ » دارد « لوله » را به سر دیگر یعنی به میله آهنی می‌گذارند باطنابی که یکسرش بدور کله الك و سر دیگرش به دور دوخ پیچیده شده و با حرکت دادن دسته

۱- درمهاباد گنجشک را « چوله‌که » و در سنندج « مه‌لوچکه » گویند .

۲- در سنندج از این استخوان استفاده نمی‌کنند و بجای آن از يك‌تکه

چوب بنام « چیو » کمک می‌گیرند .

که به کله الك وصل است دوخ حرکت و لوله را پر میکنند . شاگرد
جولاه زرنک در عرض یکساعت ۳۰۰ الی ۴۰۰ لوله را پر می کند .

۲۵- دارگورد dâr - gurd : دوچوب است که در بین « بهن گورد »

قرار دارد .

۲۶- داری به ره وگری dari barawgre : چوبیست استوانه‌ای

شکل در حدود ۷۵ سانتی متر طول دارد و شعاعش نیم سانتی متر است ،
یک سر جاجیم یا « به رمال » یا « بوزو » به آن متصل می گردد و سیم
« نیلی به ره وگری » به دو سر این وسیله حلقه شده است .

۲۷- داری بهن دالی dâri bandâlhi : چوبیست باریک که به

سقف آویزان است و نخهای چوله که بآن آویخته است .

۲۸- داری جاوپیچکی (م) dârijâwpeçaki ، چپوگلی نک

Cew glenek : چوبیست بطول ۳۰ سانتی متر یک سر آن به جاوپیچک
که سوراخ شده فرو میرود و سر دیگرش روی دستگاه قرار میگیرد و از تکان
خوردن « جاوپیچک » جلوگیری میکند .

۲۹- دسته لیچه (م) dastalhica : یک سر آن به « که لله هیله گک »

وصل و سر دیگرش آزاد است و دستگیره « خه ره ک » است .

۳۰- دهفه (م) dafa : دستگاهیست که بصورت مخصوص از چوب

محکم ساخته شده و تقریباً مکعب مستطیل شکل است که عرضهایش
با هم مساوی ولی طول فوقانی آن از دو گوشه و وسط برجستگی دارد . کار
« دهفه » سفت کردن رشته هائیکه بافته میشود . طناب محکمی که
« دهفه » را به سقف آویزان میکند « بهن دهفه » نام دارد .

- ۳۱- ژیردهفه žerdafa : مانند « دهفه » است و در زیر آن قرار دارد و « شه » یا « شانه » میان آن دو واقع است .
- ۳۲- شه (م) ša ، شانه (س) šāna : در میان « دهفه » و « ژیردهفه » قرار دارد و تارها از میان دندانهای آن میگذرد . آن دندانها را « ده نکه شه » میگویند . جنس شه از نوعی نی بنام « قهره غو = qaraγu » است .
- ۳۳- قاییش (م) qāyiš : همان چرم است که بعرض ۱/۵ و طول تقریبی ۵۰ سانتی متر می باشد و « دهفه » و « ژیردهفه » را بصورت حلقه ای ارتباط داده است .
- ۳۴- گوی دهفه (م) gwedafa ، گوشواره (س) gošwāra : حلقه ایست از آهن و گاهی میخ ساده ای است که به عرض « دهفه » کوبیده شده و کار آن نگهداشتن يك سر « لاله نکه ره » است .
- ۳۵- گوی چهنه (م) gwecana ، دوفلیقانه dufliqāna : از يك تخته سوراخ شده که به « که للهی خهرهك » کوبیده شده است ساخته شده و در حقیقت تکیه گاه « دوخ » است .
- ۳۶- دوخ dox : میله ایست آهنی بطول تقریبی ۴۰ سانتی متر و محور است برای لوله ها در « خهرهك » ، با تکان دادن « دهسته خهرهك » بحرکت درمی آید و لوله ها را از نخ پر میکند .
- ۳۷- رایهل (م) rāyah ، تان tān : بآن قسمت پشم ریسیده شده میگویند که به دستگاه وصل و آماده بافتن است .
- ۳۸- روداری جاوپیچکی (م) rudāri jāwpeçaki ، چیسوی

دارگلی نك (س) cewidârglenek : چو بیست باریک و استوانه‌ای شکل بطول تقریبی ۷۵ سانتی متر. بوسیله آن سر بافتنی را در لای « جاویپچک » قرار میدهند و بدور آن می‌پیچند تا محکم نگهداشته شود.

۳۹- ژى ze : به نخ محکمی گویند که « که‌لله خه‌ره‌ک » را به « به‌کره » ارتباط داده و به‌کمک آن « به‌کره » بچرخش درمی‌آید و در حقیقت تسمه « خه‌ره‌ک » است.

۴۰- ساچین (م) sâcin ، سه‌رچینه (س) sarcina : نخته‌ایست بطول ۸۰ سانتی متر و عرض ۱۰ و ارتفاع ۳ سانتی متر که یکسر آن بچوبی بطول ۱۴ سانتی متر کوبیده شده و بوسیله آن « گورد » را می‌تنند.

۴۱- ساکار (م) sâkâr ، سلسله (س) sêlshêlha : نقشه ساده « به‌رمال » و « جاجم » را گویند.

۴۲- سه‌کوی جولای sakoyjohây : سه‌کوی جولاکه به‌هنگام بافتگی روی آن می‌نشیند.

۴۳- سینگی ته‌نگه لکیش (م) singi tangalhkeš ، گوجان (س) gocân : چو بیست استوانه‌ای شکل که یکسر آن را تیز کرده و به کف زمین کوبیده‌اند و جای آن در زیر سه‌کوی جولاست و یکسر ریسمان که به سر بافتنی وصل شده بوسیله « چل‌میرده » به آن وصل شده است.

۴۴- شه‌قوله‌که‌ره ، حاجه‌ت‌که‌ره hâjat kara ، فه‌لانگی qalhâng (م) : میله‌ایست آهنی بطول یک متر که یکسر آن کج‌وسر

دیگرش حلقه‌ای است و برای برداشتن مکوک از روی زمین بکار برده می‌شود.

۴۵- شوژن šužən: جوالدوز، هنگامی که بافتنی تمام شد جولای قطعات را از درازا بهم میدوزد.

۴۶- شیرازه širāza: گره نخهای گورد را شیرازه گویند.

۴۷- قامیش qâmiš: به‌نی میگویند، نوعی از آن به‌نام قهرمغو qaraγü برای ساختن لوله مکوک و دندان‌های شه بکار میرود.

۴۸- قانگل qângal: نوعی بستن نخ است که از وسط کلاف را می‌بندند. شاعر در این مصراع کلمه «قانگل» را بکار برده است: «سیمی خار داری عهد و عهد قانگلی مو ههل ده که م»: سیم خار دار عهد را مانند گلوله نخ بهم می‌بیچم.

۴۹- قونه گورد quna gurd: چرمی است که یکسر آن به «گورد» و سردیگرش به «مشاره‌ی پی‌تانه‌ی» حلقه شده است و بوسیله آن «مشاره‌ی پی‌تانه‌ی» به «گورد» آویزان است.

۵۰- کهله شاخ kalha šâx: شاخ کل. برای روغن کاری برخی از بخشهای دستگام در آن روغن میریزند.

۵۱- که لله هیله گه kalla helhag: کله الک. در مرکز آن سوراخی تمبیه شده تا «دهسته لیچه» در آن قرار گیرد و با بهرکت در آوردن آن نخ در داخل لوله جمع شود.

۵۲- کوله که kolhaka: چوبیست بعنوان تکیه‌گاه محور کله الک.

۵۳ - کر (م) ker ، کرت (س) kert : به آن قسمت بافتنی که بافته شده است میگویند (یعنی بافته شده) .

۵۴ - گری (م) gre ، پیروز (س) piroz : وصل کردن « بن » به « بن » های گذشته از گورد است .

۵۵ - گورد gurd : تکیه گاه است افقی از چوب بصورت مستطیل در دو شکل مساوی که دور آن را با نخ پیچیده اند و دو سر نخها بهم قلاب شده دور پیچش نخها یکصد تا یکصد و چهل دور است که به « دارگورد » متصل است و نخهای « کر » از وسط نخهای « گورد » میگذرد .

۵۶ - له نگه ره langara : خاصیت آن متحرك ساختن « ده فه » است و از دو قسمت تشکیل یافته است :

الف - زیر له نگه ره (م) žer langara ، زیر لایه ر (س) žer lâyar : به قاعده زیرین « له نگه ره » میگویند که جنس آن از چوب محکم است .

ب - لاله نگه ره (م) lâlångara ، لایه ر (س) lâyar : تخته ایست کم عرض بطول تقریبی ۷۰ سانتی متر که يك سر آن سوراخ و به « گوی ده فه » بنده شده و سر دیگرش بطور متحرك به « له نگه ره » متصل است .

۵۷ - لوله lûla : چوبیست استوانه ای شکل و میان خالی بطول

۱- « بن » چنانکه اشاره کردیم همان « بند » و ریسمان است که دال

آن افتاده نظیر « مؤدگانی » که در کردی میشود « مزگینی » .

تقریبی ۶ سانتی متر که نخ بدور آن بیچیده میشود بعد میله مکوک از وسط آن میکندد و در داخل مکوک قرار میگیرد.

۵۸ - ماشو برینجی māšu brinji یعنی سیاه و سفید، جوگندم.

نقشه « به رمال » است که با دو رنگ سیاه و سفید بصورت ساده بدون محراب و « که شکول » ساخته میشود.

۵۹ - ماشه (م) māšar، یار (س) pār: به نخهاییکه به طرز

مخصوصی تا شده و آماده رنگ کردن است میگویند. (معمولا نخهایی که برای بافتن جاجم بکار میرود بصورت « ماشه ر » درمی آید چون آنرا رنگ می کنند).

۶۰ - مارهز maraz: نوعی از پشم بز است که بسیار نرم و

لطیف می باشد و بهترین بافتنی از آن بافته میشود و در فارسی آن را مرخز گویند.

۶۱ - مه کوک (م) makük، مه کو (س) mako: در فارسی

ماکو گفته میشود. « میله » و « لوله » و « پر » در داخل آن قرار می گیرد.

۶۲ - مولاقه^۱ (م) molâqa، دارگلی نک (س) dâr glenæk:

چوبیست که به انتهای دستگاہ جولایی کوبیده شده. گوریس جولایی که یکسر آن به « تیلی به ره و گری » گره زده شده از روی آن میکندد.

۶۳ - مشاره (م) mešâra، دیانه (س) dyâna: چوبی است

که بصورت عمودی بدستگاہ کوبیده شده و دنداندار است تا میخ کوبیده شده به گوشه « ژیرله نکه ره » به روی آن بلغزد.

۶۴ - مشاره ی پی تاته ی māšâray petâtay: تخته ایست که يك

۱ - مولاقه molaqa نیز گفته می شود.

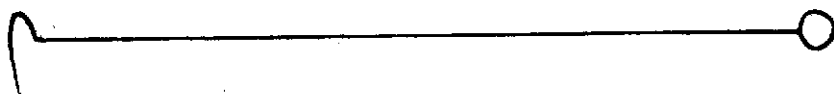
طرف آن بصورت دندان‌ه درآمده یکسر آن به «قونه‌گورد» و سردیگرش به «پی‌تانه» وصل شده است .

۶۵- ولاله *vêlhâlha* ، خه‌ره‌کوله *xarakolha* : فرقره چویست که در داخل «چوله‌که» قرار دارد . کار «ولاله» متحرک کردن نخ‌گورد است که به آن آویزان شده است .

۶۶- هه‌تیمه (س) *hatifa* : نخته‌ایست که شانه یا «دیانه» را با آن می‌سازند .



«خه‌ره‌ک» و شاگرد جولا که مشغول پر کردن ماشوره (= لوله) است .



قالانگ qalhang



دندان‌های شاه « دندانه های شاه »



گورد gurd

امثال و اصطلاحات جولایی

امثال و اصطلاحات فراوانی دربارهٔ جولایی وجود دارد که ذیلاً به برخی از آنها اشاره میکنیم :

۱ - نهو به نهی به ریشی منهوه ههل مه بهسته :

این « بهن » را به ریش من میند یعنی نسبت این کار را به من مده.

۲ - بادان bā - dān : بمعنی تاب دادن است . نخ را حتماً باید

محکم تاب داد تا بدرد بافتنی بخورد . بادراو bādrāw به نخ میگویند که تاب داده شده است .

۳ - بوم به به نیوه دهکا :

اگر دست از پا خطاکنم درهمه جا آن را بازگو میکنند .

۴ - بهرمالی لهسه رئاوی ده گه ری :

مقدس است یا تظاهر به تقدس و تقوی میکند .

۵ - تهشی له بهر ده رسی :

در برابر او ریاکاری و چاپلوسی میکند .

۶ - جاوی جوی رایهل کردن : مطلب را کش دادن .

۷ - ده لیبی گوریسی نیو هه مبانه یه .

کتابیه از حرف بی سر و ته است .

۸ - دایه مه مده به جولای

سه ری زله و ناقولا

شوی دم کاته گلوله :

مادر مرا به جولا مده
سرش بزرگ و بد ریخت است
شب مرا گلوله میکند .

۹ - کردان kər - dān : بافتن ، بود را بوسیلهٔ ماکو در لابلای
تارها قرار دادن .

۱۰ - گهزی جولای gazi jolhây : کنایه از گزی است که دقیق باشد.

۱۱ - مامه جولا چاره کهم

گری بده جاوه کهم :

عمو جولا چشم من

کرباس مرا گره بزَن .

۱۲ - نه ریسراوه و نه پیچراوه شقه‌ی دی :

هنوز کار تمام نشده در فکر نتیجهٔ آن است .

۱۳ - وهك جولاکه‌ی به سه‌ردری خوی ناقابله :

مانند آن جولا از کار کرد خود راضی نیست .

۱۴ - هودا برین hawdâ brîn یعنی رشته بریدن . هنگامی که

بافتنی تمام میشود رشته‌ها را می‌برند و به آن « هودا برین » می‌گویند.

مآخذ

- ۱- فرهنگ مردوخ ج ۱ و ۲ تألیف آیه‌الله محمد مردوخ کردستانی
- ۲- فرهنگ مهاباد کردی به عربی تألیف گیو موکریانی
- ۳- فرهنگ کردی بفارسی م . اورنگ .
- ۴- فرهنگ ترکی بفارسی تألیف آقایان ابراهیم اولفون و جمشید درخشان .
- ۵- تلف ویی کوردی وینه‌دار به تیبی لاتینی گیو موکریانی چاپخانهٔ
کوردستان ۱۹۶۰ م ۲۵۷۲ کوردی .